

## انتخابات ریاست جمهوری در بولیوی: پیروزی بزرگ گرایش سوسیالیستی



در شرایطی که نیروهای سرمایه در سراسر جهان به تهاجم و تجاوز گسترده‌ای به زندگی مردم دست زده‌اند- از اعمال سیاست‌های اقتصادی ریاضتی و نولیبرالی گرفته تا مداخله‌های مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و نظامی و تشنج آفرین- بسیاری از ملت‌های آمریکای لاتین برای رهایی خود از قید و بندهای سرمایه و برقراری دموکراسی و عدالت اقتصادی-اجتماعی می‌کوشند، و به مردم جهان امید می‌دهند.

روز یکشنبه ۱۲ اکتبر (۲۰ مهر) انتخابات ریاست جمهوری بولیوی برگزار شد که در آن مردم بولیوی برای سومین بار پیاپی اوو مورالس ۵۵ ساله و رهبر "جنبش به سوی سوسیالیسم" را به عنوان رئیس جمهور کشور انتخاب کردند. مورالس، رئیس جمهور چپ‌گرای بولیوی، پس از اعلام خبری پیروزی چشمگیرش در انتخابات، خطاب به مردمی که یکشنبه شب جلوی مقر ریاست جمهوری جمع شده بودند گفت: "این بُرد، پیروزی نیروهای ضدامپریالیستی و ضداستعماری است. این حس عمیق آزادی است؛ و نه فقط در بولیوی بلکه در قاره آمریکا؛ پیروزی همه ضدامپریالیست‌هاست" پیروزی اوو مورالس شکست سختی بود برای رقیبانش که در مقابل برنامه او برای تحکیم و تقویت اصلاحات سوسیالیستی، برنامه مردم‌پسندی نداشتند که ارائه دهند. مورالس خطاب به جمعیت هزاران نفری که در مقابل مقر رئیس جمهوری گرد آمده بودند گفت: "این انتخابات، مبارزه‌ای بر سر دو لگو بود: ملی‌سازی یا خصوصی‌سازی. و ملی‌سازی با بیشتر از ۶۰ درصد رای برنده شد" مورالس که از رهبران برجسته سوسیالیست و ضدامپریالیست آمریکای لاتین است، در این انتخابات توانست ۶۱ درصد آرای ریخته شده به صندوق‌ها را به دست آورد. نزدیک‌ترین رقیب او، ساموئل دوریا میدینا- سلطان سیمان بولیوی- از جبهه وحدت ملی، ۲۴ درصد رای آورد. مورالس پیروزی خود را به فیدل کاسترو رهبر کمونیست کوبا و هوگو چاوز، رهبر چپ‌گرای فقید ونزوئلا پیشکش کرد. در پی اعلام خبر پیروزی مورالس در روز یکشنبه، شماری از رهبران کشورهای جهان، و به‌ویژه رهبران کشورهای آمریکای لاتین، پیام‌های تبریکی برای او فرستادند. دانیل اورتگا، رئیس‌جمهور نیکاراگوئه در پیام خود گفت که پیشتازی مورالس در انتخابات نشانه "قدرت و سرزندگی روند رهایی ملت‌ها در منطقه است" کریستینا فرناندز کرجنر و خوزه مویکا، رهبران جمهوری آرژانتین و اورگوئه، هر دو تلفنی به اوو مورالس تبریک گفتند. نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا نیز در پیام‌های متعدد خود روی توئیتر از پیروزی مورالس ابراز خوشحالی کرد. او در یکی از این پیام‌ها نوشت: "اوو، این پیروزی بزرگی برای میهن آمریکای جنوبی است؛ ما از ونزوئلا به تو تبریک می‌گوییم. به امید پیروزی‌های بیشتر!" سانچز سرن، رئیس‌جمهور السالوادور نیز در پیام توئیتری خود نوشت که انتخاب اوو مورالس "تقویت‌کننده دموکراسی است، و بولیوی همچنان به مردم آمریکای لاتین و جهان امید می‌دهد."

یکشنبه شب جشن و سرور حامیان مورالس در خیابان‌های شهر لاپاز (پایتخت بولیوی) و دیگر شهرهای کشور برگزار بود. دوره سوم ریاست جمهوری اوو مورالس از ۲ بهمن ۱۳۹۳ که مراسم ادای سوگند برگزار می‌شود، رسماً آغاز خواهد شد. در پایان این دوره ۵ ساله، مورالس در تاریخ کشور بولیوی رکورد طولانی‌ترین مدت خدمت (۱۴ سال) به عنوان رئیس‌جمهور را خواهد داشت. قانون اساسی جدید بولیوی فقط اجازه دو دوره ریاست جمهوری را به یک شخص می‌دهد، ولی دیوان‌عالی کشور سال گذشته اعلام کرد که دوره اول ریاست جمهوری مورالس در این محاسبه منظور نمی‌شود، چون قبل از تصویب قانون اساسی جدید بوده است و این قانون عطف به ماسبق نمی‌شود. در انتخابات اخیر، بیشتر از ۶ میلیون نفر از کل جمعیت ۱۰ و نیم میلیون نفری بولیوی واجد شرایط برای شرکت در

رای‌گیری بودند. در دو انتخابات ریاست جمهوری قبلی، بیشتر از ۸۴ و ۹۴ درصد رای‌دهندگان واجد شرایط در انتخابات شرکت کرده بودند. مورالس در ۸ ایالت از ۹ ایالت کشور برنده اکثریت آرا شد، از جمله با ۵۱ درصد آرا در ایالت سانتاکروز که یکی از مراکز کشت و صنعت در شرق کشور و از پایگاه‌های مخالفان او بوده است. نمایندگان کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و ناظران اتحادیه ملت‌های آمریکای جنوبی (یوناسار) سلامت این انتخابات را تأیید کردند. مطابق قانون اساسی کنونی بولیوی، دوره ریاست جمهوری ۵ سال است. در انتخابات ریاست‌جمهوری، همزمان معاون نخست‌وزیر نیز با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود.

مورالس، که خود از اهالی بومی بولیوی است، نخستین بار در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴ش) نامزد ریاست جمهوری شد. او در آن سال با برنامه انتخاباتی ضدنولیبرالی، با هدف ملی کردن صنعت گاز و تشکیل مجلس مؤسسان برای تدوین یک قانون اساسی تازه بر پایه گنجاندن و تأمین منافع و مصالح جمعیت بومیان آن کشور وارد کارزار شد، و توانست با به دست آوردن نزدیک به ۵۴ درصد آرا در انتخابات پیروز شود. (نزدیک‌ترین رقیب او در آن سال کمتر از ۲۹ درصد رای آورد.) او در آذر ماه سال ۱۳۸۸، یعنی یک سال پس از همه‌پرسی موفقیت‌آمیز در مورد قانون اساسی تازه کشور که حقوق و خودمختاری بیشتری به بومیان می‌داد، برای دومین بار به ریاست جمهوری انتخاب شد. مورالس در طی سال‌های ریاست جمهوری‌اش تا کنون نه‌فقط به قول‌های انتخاباتی اولیه خود عمل کرده است، بلکه شمار دیگری از صنایع کلیدی کشور را نیز ملی کرده و توانسته است با توزیع علانۀ ثروت ملی، میزان فقر در کشور را نیز کاهش دهد. به‌علاوه، هزاران کشاورز فقیر از

### ادامه در صفحه ۱۱

### کمک‌های مالی رسیده

گردآوری شده در جشن سالگرد حزب در اتریش ۵۰۰ یورو  
به یاد اسطوره‌های انسانیت اعدام افسران توده‌ای  
از طرف چمنی ۵۰۰ دلار  
۷۳ مین سالگرد حزب روزبه‌ها و مهرگان‌ها مبارک باد ۱۰۰ دلار کانادا

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس‌های پستی:  
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
http://www.tudehpartyiran.org  
آدرس‌های اینترنت و "ای-میل"  
E-Mail: dabirkhaneh\_hti@yahoo.de

**Nameh Mardom No. 958**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۹۵۸، ۲۸ مهر ۱۳۹۳  
دوره هشتم، سال بیست و هشتم

## «وحدت» جناح‌های قدرت، و اصلاح ناپذیری رژیم ولایت فقیه

منشأ اصلی فعالیت‌های رانت‌خوارانه کلان و رشد سرطان‌وار آن در سطح جامعه، پیامد خصلت این اقتصاد سیاسی است که آفت و عقیم شدن فعالیت‌های بخش‌های تولیدی ارزش‌افزا در اقتصاد ملی ایران را باعث می‌گردد. اقتصاد سیاسی کشور ما چارچوب لازم "ثروت‌آفرینی" ای سریع و در سطح بسیار کلان برای قشرهای فوقانی بورژوازی است، قشرهایی که نمایندگان سیاسی‌شان در قالب جناح‌های قدرت درون هرم رژیم ولایت فقیه ("نظام") برای حفاظت از منافع اقتصادی کلان در فعالیت‌اند. تداوم این اقتصاد سیاسی بسیار پرمفعت در کشور ما از یک سو در بردارنده ریشه اصلی نزاع‌ها و رقابت‌های سیاسی بین جناح‌های قدرت در رژیم ولایتی است، و از سوی دیگر بقا و تداوم آن مخرج مشترکی محوری بین جناح‌های کلان است که بازتاب سیاسی آن را می‌توان در "وحدت" بین این جناح‌ها برای "بقای نظام" دیکتاتوری ولایتی مشاهده کرد. مثال بسیار بارز در وجود وحدت بین جناح‌های رقیب (از جمله بخش‌های اصلی اصول‌گرایان)، مهندسی انتخابات ۱۳۹۲ برای به‌ظهور رساندن دولت یازدهم و حسن روحانی است. علی‌خامنه‌ای، در مقام ولی‌فقیه، محور همکاری جناح‌های قدرت است. همین‌طور از همگرایی و اتحاد عمل بین جناح‌های رقیب در اجرای دو دهه تعدیل‌های اقتصادی نولیبرالی

ادامه در صفحه ۶

برخلاف ظاهر امر و آنچه که حسن روحانی در گفت‌وگوی تلویزیونی‌اش (۲۱ مهرماه) درباره دستاوردهای دولت یازدهم و بهبود وضع کشور بیان داشت، در ارزیابی‌ای واقع‌بینانه این واقعیت عینی که دولت او پس از گذشت بیش از یک سال در عملی کردن وعده‌های دوره تبلیغات انتخاباتی‌اش شکست خورده است را می‌توان به‌سهولت دید. مهم‌تر اینکه، تحول‌ها نشان می‌دهند که دولت یازدهم، و در رأس آن حسن روحانی، نخواهد توانست حرکتی عملی در راستای تغییرهای ضروری انجام دهد، زیرا این تغییرها با منافع سیاسی و اقتصادی جناح‌های قدرت در هرم رژیم ولایتی تضاد آشتی‌ناپذیر دارند. دولت یازدهم، و از جمله رئیس آن، خود ترکیبی از نمایندگان جناح‌های قدرت سیاسی و نمایندگان سرمایه‌های کلانی‌اند که نه‌تنها حاضر به انجام تغییرهای اساسی در اقتصاد سیاسی کشور ما نیستند، بلکه هر نوع دگرگونی به‌نفع مردم را به‌دلیل تضاد با منافع اقتصادی و سیاسی خودشان به‌شدت و به‌سرعت متوقف خواهند کرد. به‌عبارت‌دیگر، چاقو دسته خودش را نمی‌بُرد! در اینجا صحبت از افشاگری و پی‌گیری اختلاس‌های دوره احمدی‌نژاد نیست، بلکه اشاره به ماهیت اقتصاد سیاسی‌ای است که به‌طورکامل در راستای منافع سرمایه‌داری تجاری‌مالی و سرمایه‌داری بوروکراتیک شکل گرفته است، و در عمل، تولید ارزش‌افزا ندارد.

کارگران همه کشورها متحد شوید!

## دولت روحانی و جنبش دانشجویی کشور



خبرهای مبنی بر حضور حسن روحانی در دانشگاه، در هفته گذشته، به‌مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید، برخلاف تصور، بازتاب گسترده‌ای نیافت و در حد همان خبرهای معمولی انعکاس پیدا کرد. با اینکه مدت‌ها است که ارگان‌های سرکوبگر فضای آموزشی میهن را زیر فشار بی‌اندازه قرار داده‌اند و هرگونه فعالیت سیاسی و ترقی‌خواهانه‌ای را با شدت سرکوب می‌کنند، اما همین حضور بی‌رنگ حسن روحانی در فضایی کاملاً امنیتی، نشان می‌دهد که پتانسیل عظیم و نهفته در بین جوانان، آرامش لازم را از رژیم ولایت‌فقیه سلب کرده است.

حضور حسن روحانی در دانشگاه، با هر هدفی که صورت گرفته باشد، در نکته‌ی از آن نباید شک کرد و آن این مهم است که او در نهایت در چارچوب خطوطی مانور داد که "منویات رهبری" در آن مورد ملاحظه قرار گرفته بود، و به همین دلیل بود که، این حضور نمایشی در نهایت با حضور محدود کسانی که هویت دانشجویی نداشتند برگزار شد و در جریان آن، حتی یک

ادامه در صفحه ۳

### جشن‌های سالگرد تأسیس

حزب توده ایران در ص ۷  
کنفرانس "مارکسیسم قرن بیست و یکم" در ص ۹  
انتخابات ریاست جمهوری در بولیوی: پیروزی بزرگ گرایش سوسیالیستی در ص ۱۲

### جنبش کارگری، نقش و جایگاه آن در تحول‌های سیاسی

از زمان روی کار آمدن دولت حسن روحانی و اجرای برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی مبتنی بر خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی، جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان میهن ما- بر شالوده مجموعه‌ی از عامل‌ها و بر بسترهایی از وضعیت عینی معیشت و بی‌بهره‌گی از حق‌های مسلم‌شان، در حال گسترده‌تر شدن بوده است. صدها حرکت اعتراضی، که اعتصاب‌ها، تحصن‌ها، امضای تومارها، گردهم‌آیی‌ها، و نظیر آن‌ها، را دربر می‌گیرد، در سراسر کشور صورت پذیرفته است و همچنان صورت می‌پذیرد. به‌دیگر سخن، همراه با تحول‌های صحنه سیاسی و اجرای راهبرد رژیم ولایت‌فقیه یعنی: احیای مناسبات با امپریالیسم- که پیاده کردن سیاست‌های اقتصادی‌ای مانند خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی بخشی از این راهبرد است- نارضایتی بین زحمتکشان به‌سبب اثرهای مخرب این سیاست‌ها افزایش یافته است، و در نتیجه، زمینه‌های رشد و گسترش بیشتر جنبش اعتراضی زحمتکشان- در قیاس با گذشته- فراهم

ادامه در صفحه ۲

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!



کنترل دایمی محیط‌های کارگری، در کیفیت و سطح جنبش کارگری اثرِ مستقیم داشته‌اند و به‌جرت می‌توان تأکید کرد که، آنچه در حکم نقطه‌ضعف‌های جنبش اعتراضی کنونی زحمتکشان مشاهده می‌شود، به‌طورعمده و جدی، از این مجموعه عامل‌ها ناشی می‌گردد.

برنامه‌های مبتنی بر

اصلاح ساختار اقتصادی با محوریتِ خصوصی‌سازی، در طول بیش از دو دههٔ اخیر، به انباشت سرمایه منجر گردیده‌اند که روی دیگر آن فقر و تیره‌روزی توده‌های مردم مخصوصاً طبقه کارگر بوده است. دولت روحانی اکنون با اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها- آزادسازی اقتصاد- برنامهٔ اصلاح یا تعدیل ساختاری‌ای را به‌طورکامل به‌اجرا گذاشته است. سخن تنها بر سر حذف یارانه نیست. ما سیاستِ خصوصی‌سازی‌ای بر پایهٔ فرمان‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را شاهدیم که درخلال آن اموال همگانی به بخش خصوصی واگذار می‌شوند. حذف نظارت‌های دولتی و سیل بنیان کن واردات، به‌همراه حذف تمامی قوانین به‌اصطلاح "دست‌وپاگیر" در عرصه بازار کار، ازجمله: تغییر قوانین کار و تأمین اجتماعی به‌سود کلان‌سرمایه‌داران، جنبه‌ها و بخش‌های به‌هم‌پیوستهٔ این سیاست به‌معنای واقعی ضدملی و ضدمردمی‌اند. پرواضح است که پیامد این سیاست‌ها، به‌طورمستقیم و مشخص در زندگی روزمرهٔ میلیون‌ها کارگر میهن ما بازتاب یافته‌اند، و فقر، استثمار، و بی‌عدالتی وصف‌ناپذیری را به آنان تحمیل کرده است و همچنان تحمیل می‌کند. اعتراض‌های پراکنده و تدافعی بر چنین بسترهای عینی‌ای صورت گرفته و می‌گیرند. دراینجا لازم است تأکید کنیم که، به‌طوردقیق در ارتباط با رشد اعتراض‌های کارگری، رژیم برای کنترل، مهار، و هدایت- در مسیر موردنظر خود- جنبش کارگری و سندیکایی برنامه‌یی چندوجهی طراحی کرده است، و متناسب با وضعیت، آن را اجرا می‌کند. جنبه‌هایی از این سیاست را هم‌اکنون در مقابله با مبارزات کارگری می‌توان دید و تشخیص داد.

جنبش کارگری ایران با سابقه و سنت‌های درخشان انقلابی- طبقاتی‌اش، و با وجود تمام کاستی‌ها و کمبودهایش در پیوند با تحول‌های صحنه سیاسی کشور، در طول سالیان اخیر کوشش ورزیده است تا به‌لحاظ صنفی- سندیکایی و نیز سیاسی خود را بازسازی کند. این روند، یعنی پویهٔ بازسازی و تقویت جنبش کارگری و سندیکایی، گرچه به دلیل‌های معین عینی و ذهنی، به‌کندی و دشواری جریان دارد، اما مسیری اعتلایی را می‌پیماید. رشته اعتراض‌های اخیر با آنکه هنوز در خطوط کلی و عمده تدافعی‌اند و ضعف سازمان‌دهی- رهبری و همبستگی در آن‌ها مشهود است، در قیاس با سال‌های قبل، گامی به‌پیش و بالا رفتن آگاهی طبقاتی کارگران را نشان می‌دهند. با نگاه موشکافانه به شعارها، خواست‌ها، چگونگی شکل‌گیری، درجهٔ همبستگی، و جز این‌ها، در اعتراض‌های پراکندهٔ کنونی، می‌توان معیار مناسبی به‌منظور داوری در خصوص رشدِ جنبش کارگری و بیداری زحمتکشان میهن‌مان در اوضاع حساس کنونی به‌دست داد. تحول‌های صحنهٔ سیاسی کشور می‌تواند به گسترش جنبش اعتراضی کارگران منجر می‌شود، و زمینه‌های رشد و قوت بخشیدن به آن را در معادله‌های سیاسی، فراهم می‌کند. این نکته پراهمیتی است که نباید از آن غافل بود. می‌باید تمام امکان‌های موجود را با مهارت، دقت، و هوشیاری در خدمت رشدِ کیفی جنبش کارگری و سندیکایی قرار داد. در مرحلهٔ کنونی، و با توجه به ویژگی‌های جنبش اعتراضی زحمتکشان، نباید مبارزه اعتراضی کنونی را صرفاً در محدودهٔ خواست‌های صنفی حبس کرد. تلفیق خواست‌های صنفی با خواست‌های سیاسی، پیوند زدن خواست‌های بی‌درنگ به مخالفت‌ورزی و مبارزه با برنامه‌های اقتصادی‌اجتماعی- به‌خصوص آزادسازی اقتصادی- و پیکار برای احیای حقوق سندیکایی، ضرورت انکارناپذیر و وظیفه واقع‌بینانه و بسیار مؤثر در اوضاع فعلی است. حفظ هویت و استقلال طبقاتی تشکل‌های مستقل نیز آن‌چنان پراهمیت است که نباید لحظه‌یی از آن غفلت کرد.

با ژرفش تحول‌های سیاسی، این امکان و ضرورت که جنبش کارگری- بنا بر نیازهای عینی و ذهنی مبارزه طبقاتی کارگران- در معادله‌های سیاسی کشور حضور خود را اعلام کند، بیش از پیش فراهم می‌شود. آمادگی برای انجام وظیفهٔ مهمی مانند بازسازی و تقویت صف‌ها در دستورکار جنبش کارگری قرار گرفته است. برای پاسخ به نیازهای تاریخ، باید از هرباره و با دقت در راه تقویت جنبش کارگری فعالیت‌ها را دوچندان کرد!

### ادامه انتخابات ریاست جمهوری ...

دستاوردهای اصلاحات ارضی دموکراتیک انجام شده در دورهٔ ریاست جمهوری مورالس بهره‌مند شده‌اند. در ۹ سال دورهٔ ریاست جمهوری مورالس، علاوه بر آنکه میانگین رشد اقتصادی کشور در حدود ۵ درصد در سال بوده است، شمار جمعیتی که در فقر مفرط زندگی می‌کرده‌اند نیز از یک‌سوم (از جمعیت ۱۰ میلیونی در سال ۱۳۸۵) به یک‌پنجم کاهش یافته است. انتظار می‌رود که اکنون با انتخاب شدن مورالس برای بار سوم به ریاست جمهوری بولیوی، تلاش‌های او و هم‌فکرانش در ”جنبش به سوی سوسیالیسم“ برای توانمندسازی اکثریت بومی کشور در زیر پرچم برنامه‌های دارای گرایش سوسیالیستی تقویت شود، تا مردم این کشور، که هنوز جزو کشورهای فقیر آمریکای جنوبی محسوب می‌شود، بتوانند از زندگی مرفه‌تر و شایسته‌تری برخوردار شوند.

انتخابات کنگرهٔ بولیوی نیز هم‌زمان در همان روز ۲۰ مهر انجام شد. کنگرهٔ بولیوی از دو مجلس سنا و مجلس نمایندگان (پارلمان) تشکیل می‌شود که به ترتیب ۳۶ و ۱۳۰ نماینده دارند. نظرسنجی‌ها نشان می‌داد که ”جنبش به سوی سوسیالیسم“ در این انتخابات نیز اکثریت آرا و کرسی‌های هر دو مجلس کنگره را به دست آورد. در این صورت، رهبری بولیوی خواهد توانست برنامهٔ ”سوسیالیسم بومی“ بر اساس ملی کردن صنایع نفت و گاز، ساختن مدرسه‌ها و راه‌های جدید، و تأمین بودجهٔ برنامه‌های رفاهی مانند صندوق بازنشستگی را در سراسر کشور به پیش ببرد. دستاوردهای مردمی دولت مورالس در ۹ سال گذشته مهم‌ترین عامل گرایش اکثریت مردم به سوی این دولت چپگرا و برنامه‌های آن بوده است. از جملهٔ این دستاوردها می‌توان به این موارد اشاره کرد: تدوین و تصویب قانون اساسی جدید به سود بومیان و زحمتکشان کشور، و اجرای شماری از برنامه‌های اجتماعی و رفاهی دولتی، که میزان فقر مفرط را از ۳۸٫۲ درصد در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴ش) به ۲۱٫۶ درصد در سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱ش) کاهش دارد. در پیش گرفتن سیاست‌های گوناگون اقتصاد کلان به منظور افزایش درآمد دولت از منابع طبیعی کشور و افزایش سرمایه‌گذاری در برنامه‌های اجتماعی همگانی. سیاست‌های راهبري دولت مورالس در دو دورهٔ گذشته موجب افزایش ۷۵۰ درصدی (بیشتر از ۷/۵ برابر شدن) سرمایه‌گذاری در خدمات اجتماعی همگانی شده است.

اجرای طرح‌های زیربنایی کوچک در مناطق محروم، اختصاص دادن بیشتر از یک میلیارد دلار به ۵۰۰۰ طرح در سراسر کشور شامل ساختن شمار زیادی درمانگاه، مدرسه و سالن ورزش در این مناطق. بردن امکان استفاده از اینترنت به مدرسه‌های روستایی، ایجاد کارخانهٔ تولید کود شیمیایی، و ساخت و راه‌اندازی شبکهٔ تله‌کابین برقی مسافربری در شهر لاپاز از دیگر پروژه‌های انجام شده‌اند. تله‌کابین لاپاز که مرتفع‌ترین تله‌کابین دنیاست، برخلاف تله‌کابین‌هایی که غالباً در پیست‌های اسکی استفاده می‌شوند، وسیلهٔ رفت‌وآمد شهری مردم بین دو شهر لاپاز و ال آلتو است. با استفاده از این خط حمل‌ونقل هوایی، زمان رفت‌وآمد مردم از یک نقطهٔ لاپاز به نقطهٔ دیگر و به شهر مجاور (ال آلتو) به ۱/۴ تقلیل داده است. این هر دو شهر در بالای کوه‌های آند، و در ارتفاع ۳۶۵۰ متری و ۴۰۰۰ متری از سطح دریا قرار دارند.

از زمان روی کار آمدن دولت مورالس در سال ۱۳۸۴ تا سال گذشته، تولید گازهای هیدروکربنی (سوخت گازی) از ۳۳ میلیون مترمکعب به ۵۶ میلیون مترمکعب افزایش یافت. در نتیجه، دولت بولیوی تخمین می‌زند که با این میزان تولید گاز، تا سال آینده از این لحاظ کاملاً خودکفا خواهد شد.

افزایش حداقل دستمزدها نیز عامل مهم و مؤثر دیگری در کاهش فقر بوده است. بر پایهٔ گزارش‌های سازمان جهانی کار (ILO)، بولیوی در دو سال گذشته بیشترین افزایش حداقل دستمزد واقعی را در میان کشورهای آمریکای لاتین داشته است. از سال ۱۳۸۴ تا سال گذشته، دستمزدها در مجموع ۱۰۴ درصد افزایش یافته است. ایجاد و پیشبرد سیاست‌های بنیادی امنیت غذایی، عامل کلیدی دیگری در کاهش فقر در دو دورهٔ دولت مورالس بوده است. بر اساس گزارش ”سازمان خواربار و کشاورزی“ (فائو) وابسته به سازمان ملل متحد، در نتیجهٔ اجرای سیاست‌های امنیت غذایی جامع به سود تنگدستان، گرسنگی در بولیوی در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰، و ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ به میزان ۷٫۴ درصد کاهش یافت. در گزارش فائو همچنین آمده است که بولیوی شاهد کاهش شدید سوء‌تغذیهٔ مزمن در میان کودکان زیر سه سال بوده است که از ۴۱٫۷ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۱۸٫۵ درصد در سال ۱۳۹۱ رسید.

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، یکی از دستاوردهای سیاسی مهم دولت



مورالس، تدوین کردن و به تصویب رساندن قانون اساسی جدیدی بود که تغییرهای زیادی به سود زحمتکشان و به‌ویژه بومیان کشور در آن گنجانده شده است، از جمله: اولویت دادن به سرمایه‌گذاری‌های بولیواری در مقابل سرمایه‌های خارجی، و خودمختاری و مشارکت سیاسی بیشتر برای بومیان کشور. در قانون اساسی جدید که در سال ۱۳۸۷ به همه‌پرسی گذاشته و تصویب شد، موارد مصرف سنتی برگ ”کوکا“ برای نخستین بار در تاریخ بولیوی به رسمیت شناخته شد. کوکا گیاهی است که در زندگی روزمره و طب سنتی مردم این منطقه استفادهٔ رایجی دارد و خاصیت غذایی نیز دارد. البته از آن کوکائین نیز می‌شود استخراج کرد، اگرچه میزان مادهٔ اصلی کوکائین در برگ کوکا کمتر از یک درصد است. از این برگ، که به طور عمده در آمریکای جنوبی یافت می‌شود، در ساخت نوشابهٔ کوکا‌کولا نیز استفاده شده است. گفتنی است که اوو مورالس خود نیز در سابق کشاورز کوکا‌کار و از رهبران اتحادیهٔ کشاورزان کوکا‌کار بوده است و هنوز هم رئیس افتخاری آن اتحادیه است. در هر صورت، دولت بولیوی از سازمان ملل متحد نیز خواست که در امر کشت کوکا، برای بولیوی استثنا از قوانین بین‌المللی قائل شود، و کشت کوکا در بولیوی و مصرف قانونی آن در داخل مرزهای آن کشور مجاز اعلام شود، که همین‌طور هم شد. در تابستان همان سال، سازمان ملل متحد گزارشی منتشر کرد که در آن آمده بود که کشت گیاه کوکا در بولیوی ۹ درصد کاهش یافته است. در سه سال گذشته، کشت این گیاه ۲۶ درصد کاهش داشته است (احتمالاً به دلیل کاهش قیمت). دولت بولیوی سیاست بسیار سختگیرانهٔ ”عدم تحمل“ کشت غیرقانونی کوکا و تولید کوکائین را در پیش گرفته است و خاطیان را به‌سختی مجازات می‌کند.

صنعتی کردن، به‌ویژه در عرصهٔ حمل‌ونقل و تولید انرژی، از سال ۱۳۸۴به یکی از سیاست‌های اقتصادی کلیدی مورالس تبدیل شد. طرح‌های صنعتی کردن کشور بخشی از برنامه‌های بلندمدت دولت مورالس برای تبدیل کردن بولیوی به قدرتی منطقه‌یی در امر تولید انرژی است. دولت مورالس در عرصهٔ اقتصاد کلان نیز پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. در فاصلهٔ سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱) رشد تولید ناخالص ملی سه برابر شد. دولت بولیوی موفق شده است ذخایر بین‌المللی ارزی (و طلای) آن کشور را به مرز ۴۸ درصد تولید ناخالص ملی کشور افزایش دهد. بولیوی جزو ۹ کشور عضو ”اتحاد بولیواری ملت‌های آمریکای ما“ (آلبا، ALBA) است که کوبا و اکوادور و ونزوئلا و نیکاراگوئه نیز عضو آن هستند و هدف آن، همکاری‌های نزدیک و مشترک اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میان کشورهای عضو در آمریکای لاتین و منطقهٔ کارایب است. استفاده از ارز مشترک مجازی منطقه‌یی به نام ”سوکره“ برای مبادله‌های میان کشورها به‌جای دلار، یکی از بخش‌های برنامه‌یی این اتحاد است.

در شرایطی که نیروهای سرمایه در سراسر جهان به تهاجم و تجاوز گسترده‌ای به زندگی مردم دست زده‌اند- از اعمال سیاست‌های اقتصادی ریاضتی و نولیبرالی و کاهش خدمات اجتماعی گرفته تا مداخله‌های مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و نظامی و تشنج‌آفرین- بسیاری از ملت‌های آمریکای لاتین برای رهایی خود از قید و بندهای سرمایه و برقراری دموکراسی و عدالت اقتصادی-اجتماعی بر پایهٔ گرایش‌های مردمی و سوسیالیستی و تأمین نیازهای مردم عادی و زحمتکشان می‌کوشند، و به قول رئیس‌جمهور السالوادور، ”به مردم جهان امید می‌دهند.“

## همبستگی حزب توده ایران با مردم کوبانی و مبارزه آنها

یک زن کوبانی در حال مبارزه با داعش در کوبانی

زنان و مردان شجاع شهر کردنشین کوبانی واقع در شمال غربی سوریه و در نزدیکی مرز این کشور با ترکیه ، نزدیک به ۴ ماه است که به مثابه نماد واقعی مبارزه مردمی در برابر توحش و حمله های تروریسم داعش ایستادگی کرده اند. کوبانی شهر کوچکی است، اما فاجعه در حال شکل گیری در آن که باید زمینه های پیدایی آن را در سیاست تهاجم و تجاوز نظامی دولت جورج بوش به عراق در سال ۲۰۰۳ جستجو کرد افشاء کننده منطق و اهداف ضد انسانی دخالت های از نوع “بشر دوستانه” کشورهای امپریالیستی در منطقه خاور میانه می باشد – سیاستی که هنوز هم در چار چوب “طرح خاور میانه جدید” دولت آمریکا در حال اعمال و اجراء است.

مبارزه کوبانی ها فقط برضد آدمکش های حرفه ای داعش نیست، بلکه کوبانی بصورت غیر مستقیم نیز مورد یورش حکومت های ارتجاعی منطقه نیزبوده اند و در واقع تاوان هماهنگ نشدن با سیاست های دولت ترکیه و شیخ نشین های خلیج فارس، زیر رهبری آمریکا، و در راستای سرنگونی رژیم حاکم در سوریه را می پردازد. کوبانی ها در چند سال گذشته حاضر نشده اند در برنامه “تغییر رژیم” سوریه با سیاست های امپریالیسم جهانی همکاری کنند. کوبانی ها با حفظ استقلال نسبی خود و به صورت یک جامعه خودگردان، که در آن جوانه های حرکت های دموکراتیک مردمی را می توان دید، ضمن پیش بردن مبارزه برای دموکراسی و حقوق ملی با طرح ایالات متحده برای “تغییر رژیم” در سوریه به مخالفت برخواسته بودند.

فاجعه در حال وقوع در کوبانی نشان می دهد که حرکت های مردمی در منطقه خاور میانه چگونه همیشه توسط نیروهای واپسگرا و ضد مردمی زیر ضربه قرار می گیرند. زنان و مردان مبارز کوبانی به تنهایی برای بقای جامعه خویش در برابر یکی از واپسگرا ترین نیروهای مخرب برآمده از سیاست های تجاوز گرانه امپریالیستی و دست پروده ارتجاع محلی مبارزه می نمایند. نقش زنان در جنبش مقاومت مردم کوبانی بسیار برجسته و مثال زدنی است. فاجعه در کوبانی افشاء کننده نقش ضد انسانی مدعیان “رهبری دموکراسی و حقوق بشر” در راس آنها آمریکا و انگلیس است که در تاریخ معاصر بصورت مستقیم و غیر مستقیم با استفاده از طیف مختلف نیروهای اسلام سیاسی حرکت های مردمی را به نابودی کشانده اند.

نماینده ویژه سازمان ملل در رابطه با سوریه درهفته پیش اظهار کرد که اگر شهر کوبانی سقوط کند فاجعه ای انسانی رخ خواهد داد و هزاران تن از شهروندان کوبانی باقی مانده در شهر توسط طرفداران “حکومت اسلامی” داعش کشتار خواهند شد.

دولت اسلام گرای ترکیه، به رهبری رجب طیب اردوغان، که عضو مهم پیمان ناتو است، در چند هفته گذشته با وجود امکانات وسیع نظامی و متمرکز کردن توان نظامی گسترده ای در چند صد متری کوبانی کوچکترین قدم موثری در مورد پشتیبانی از مبارزین شهر کوبانی و جلوگیری از کشتار آنها برنداشته است. اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، صریحاً اعلام کرده است که هر نوع دخالتی از جانب ترکیه، بر ضد داعش، مشروط به اعلام ممنوعیت پرواز برای نیروی هوایی سوریه و در واقع پذیرش عملیات نظامی ترکیه در سوریه است. حکومت اردوغان سال های گذشته با باز گذاردن مرز های خود با سوریه امکان حمل و نقل و تمرکز نیروهای سلفی و جهادی و تروریست های داعش را برای مبارزه با دولت سوریه فراهم کرده بود.

مطبوعات جهان در روز ۱۰ ماه مهر سخنان جو بایدن، معاون رئیس جمهور آمریکا، را در این زمینه که مؤتلفان آمریکا در خاورمیانه و از جمله

یک زن کوبانی در حال مبارزه با داعش در کوبانی



ترکیه، عربستان سعودی و امارات متحده عربی با سرازیر کردن میلیاردها دلار پول، اسلحه و تجهیزات نقشی اساسی در ایجاد و تقویت داعش داشته اند.منتشر کردند. نکته جالب توجه اینکه که در تظاهرات سراسری مردم ترکیه، در روز ۱۵ مهر بر ضد سیاست های ضد انسانی دولت این کشور، ۲۲ نفر بدست پلیس ضد شورش و شبه نظامیان متعلق به حزب عدالت و توسعه کشته شدند و عده بسیاری دستگیر گردیدند. شایان توجه است که نیروهای امنیتی رژیم ولایت فقیه نیز در بسیاری از شهر های کردستان ایران با سرکوب راهپیمایی‌های شهروندان کرد و دستگیری های وسیع مانع حمایت و پشتیبانی آنها از مبارزان کوبانی شده است.

اگر در حال حاضر سیاست های امپریالیسم در سوریه و عراق بوسیله نیروهای واپسگرا و ضد مردمی دست پرورده آمریکا و متحدان منطقه‌ای اش با چالش هایی روبرو گردیده است، ولی امپریالیسم هیچگاه به نفع نیروهای مردمی و حرکت های مردمی عمل نکرده و نخواهد کرد. آنچه امروز ضروری است، عملکرد قاطع سیاسی متحد همه نیروهای مترقی و انسان دوست در عرصه جهانی بر محور سازمان ملل است. راه چاره نجات کوبانی از طریق مسلح کردن آنها و یا دیگر نیروهای کرد در منطقه توسط کشور های امپریالیستی نیست. باید از گسترش جنگ و نظامی گری در منطقه جلوگیری کرد. حزب توده ایران خواهان دخالت فوری و مستقیم سازمان ملل و تجهیز و انتقال نیروی حافظ صلح بین المللی [بجای ناتو] برای نجات کوبانی و جایگزینی نقش سازمان ملل بجای نیروهای ناتو به رهبری آمریکا است. حزب توده ایران همبستگی کامل خود را با مردم کوبانی و مبارزهٔ آنها برای حفظ جان و خانه و کاشانه و زندگی‌شان در برابر تروریسم داعش اعلام می کند.

#### ادامه شرکت نمایندگی حزب ...

برگزار شد، به تحلیل شرایط چالش‌برانگیز منطقهٔ خاورمیانه پرداخت و رخدادهای سال‌های اخیر در ایران و منطقه و تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر را از دیدگاه مارکسیستی بررسی کرد. او با اشاره به روند مذاکرات میان ایران و آمریکا که در سال‌های اخیر به طور مخفی در جریان بوده است، با اعلام اینکه حزب تودهٔ ایران مدافع و خواهان صلح و مقابلهٔ مؤثر با تشنج‌طلبان در روابط بین ایران و آمریکا است، متذکر شد که در روند مذاکرات کنونی، رژیم ایران از آنجا که به دلیل سیاست‌های تشنج‌طلبانهٔ قبلی و تحریم‌های کمرشکن اقتصادی در موضع ضعف قرار دارد، به نظر می‌آید که در عمل حاضر شده است به مشارکت و نقش ایفا کردن در اقدام‌هایی سؤال‌برانگیز گردن بگذارد که می‌تواند استقلال ملی کشور را خدشه‌دار کند. نمایندهٔ حزب‌مان آنگاه در ارتباط با بازچینی سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه، وجود شواهد انکارناپذیر از ملاقات‌های مخفیانهٔ نمایندگان رژیم ولایت فقیه با نمایندگان آمریکا و مذاکره در مورد شرایط و چگونگی تعامل رژیم و نقشی که از سوی امپریالیسم در ارتباط با سوریه، عراق و افغانستان به آن پیشنهاد شده است، سخن گفت.

نمایندهٔ حزب ما در پایان به ضرورت سازمان‌دهی جنبش صلح و مبارزه علیه خطر جنگ و مداخلهٔ نظامی امپریالیسم در منطقه پرداخت و بر ضرورت مبرم برداشتن گام‌های عملی اساسی در این راه تأکید کرد.

یک زن کوبانی در حال مبارزه با داعش در کوبانی

#### ادامه دولت روحانی و جنبش دانشجویی...

نفر که درمقام نماینده دانشجویان بتوان از او نام برد، در آنجا وجود نداشت. روزنامه خراسان، ۱۶ مهرماه، در پایان گزارشی از این مراسم، آورد: "برخلاف سال گذشته، از ازدحام دانشجویان پشت در سالن برگزاری مراسم و محوطه دانشگاه در طول مراسم و حتی پایان آن خبری نبود. و این مراسم بدون شور و هیجان‌های دانشجویی برگزار شد."

روزنامه شرق، ۱۶ مهرماه، به حاشیه‌های این مراسم پرداخت و نوشت: "سالن علامه امینی در کتابخانه دانشگاه تهران میزبان میهمانانی بود که آمده بودند تا در مراسم نمادین آغاز سال تحصیلی جدید دانشگاه‌ها شرکت کنند. میهمانانی که برخلاف انتظار اکثریت قریب به اتفاقشان دانشجو نبودند. شاید با احتیاط بتوان گفت میانگین سنی افراد حاضر در سالن نزدیک به ۴۰ سال بود."

روزنامه اعتماد، ۱۶ مهرماه، نوشت: "دومین حضور روحانی در دانشگاه تهران خیلی خیلی هیجان برانگیز نبود. جاهای خالی بیش از حد نوی چشم بودند؛ چیزهایی مثل جای خالی تشکل‌های دانشجویی یا جای خالی وزیر در وزارت علوم. جاهای خالی که حتی خود دولتی‌ها از آن رنج می‌بردند. رئیس‌جمهور هم این را می‌دانست و در سخنانش اشاره‌یی به آن کرد. دیروز دانشگاه تهران را برای حضور رئیس‌جمهور آب و چارو کرده بودند. حسن روحانی در نخستین ساعات روز برای شرکت در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها عازم آنجا بود، اما همه‌چیز حکایت از آن داشت که چندان هم حال دانشگاه خوب نیست. بیرون سالن محل برگزاری مراسم دانشجویانی بودند که می‌دانستند راهی به داخل سالن نخواهند داشت، فقط آمده بودند تا حرف‌های خود را با بالا بردن یک نوشته یا پلاکارد به رئیس‌جمهوری بگویند؛ "نگاه امنیتی را از دانشگاه بردارید"، "آقای رئیس‌جمهور دانشگاه را از دست ندهید"، "خواستِ ما اجرای بدون تنازل قانون اساسی است"، و مطالبات دیگری از این دست. امید داشتند تا رئیس‌جمهوری وقتی می‌خواهد وارد محل برگزاری مراسم شود، گوشه چشمش هم به این نوشته‌ها بیفتد. امسال تشکل‌های دانشجویی جایی در برنامه آغاز سال تحصیلی جدید نداشتند. همه هم به این موضوع معترض بودند؛ هم دانشگاهیان و هم دولتی‌ها. سرپرست دانشگاه تهران به عنوان نخستین سخنران. از این جای خالی گله کرد و حاضرین در سالن با کف و صوت او را تشویق کردند."

سایت عصر ما، ۱۶ آذرماه سال گذشته (۹۲)، گزارشی از حضور روحانی در دانشگاه را انتشار داد که بازخوانی دوباره آن پس از نزدیک به یک سال نکته‌های تأمل‌برانگیزی را به ما یادآوری می‌کند. در گزارش یادشده آمده بود: "مراسم گرامیداشت ۱۶ آذر – روز دانشجو– با شعارهای دانشجویان در حمایت از رییس جمهوری و سیاست‌های دولت تدبیر و امید همراه بود. ... به گزارش ایرنا، تالار ابوریحان دانشگاه شهید بهشتی ازهمان ساعات نخست مملو از دانشجویان شد. برخی از دانشجویان پلاکاردهایی در دست داشتند که خواست‌هایشان را روی آن نوشته بودند. ... در بخشی از مراسم دانشجویان شعار دادند "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و در پاسخ به آن‌ها گروهی اندک شعار دادند "فتنه گر منافق اعدام باید گردد" ... با پایان یافتن سخنرانی دکتر روحانی، دانشجویان با تشکیل زنجیره‌های انسانی دست در دست هم شعار یار دبستانی من را رزمزه کردند و پارچه‌های سبز و بنفش رنگ را بالای سر خود قرار دادند."

سؤال اساسی برای مقایسه این دو مراسم تقریباً مشابه این است که در طول یک سال گذشته چه اتفاق مهمی افتاده است که ما شاهد دو نوع برخورد در محیط دانشگاهی هستیم؟ در اینجا ممکن است عده‌ای بر مبنای سیاست‌های نخ نما شده و برای میرا کردن جناح روحانی، محدودیت‌های ایجاد شده برای حضور همه دانشجویان را به گردن ارگان‌های امنیتی رژیم بیندازند و یا عده‌ای هم بر این نکته پافشاری کنند که چنین وضعی با توافق طرفین پیاده شده است. در اینجا هم اتفاقاً بحث ما راز گشایی از چند و چون ماجرا نیست. موضوع اصلی این است که در روندهای هدایت شده، کلیت رژیم به این نتیجه رسیده است که حضور واقعی جنبش‌های اجتماعی حتی در مراسمی که با سازمان‌دهی و هدایت کارگزاران رژیم بر پا می‌شوند، چالش برانگیز است و به همین دلیل است که مراسم نمادین، زیر شدیدترین اقدام‌های امنیتی اجرا می‌گردند. رژیم ولایت فقیه به دنبال سیاست‌های خانمان‌براندازش، به‌خصوص در عرصه خارجی، با سازمان‌دهی و مهندسی انتخابات ریاست جمهوری توانست در مقطعی به تهییج افکار عمومی دامن

## مردم

یک زن کوبانی در حال مبارزه با داعش در کوبانی

بزند، اما عملکرد مخرب سیاسی دولت روحانی، ماهیت واقعی این جریان و ترفندهای مزورانه رژیم را خیلی زودتر از آنچه مورد انتظار سرکوب‌گران حاکم بود نزد افکار عمومی افشا کرد. امنیتی کردن فضاهای آموزشی و بی‌اعتمادی بدنهٔ اجتماعی این حوزهٔ به‌خصوص نسبت به دولت روحانی و قول و قرارهای توخالی‌ای که داده است و می‌دهد، به‌هیچ عنوان تعجب‌برانگیز و غیرقابل انتظار نبود. آغاز نفوق چنین دیدگاهی هم مربوط به هفته گذشته نبود. خُسن ختام این مراسم در این بود که وجود چنین دیدگاهی را در جامعه بیشتر آشکار کرد.

صرف‌نظر از فضای امنیتی موجود، خود سخنرانی روحانی هم دربردانده همان حرف‌های کلیشه‌ای و تکراری در چارچوب برنامه گفتاردرمانی بود که فاقد پشتوانه عملی است. روحانی در سخنانش از جمله گفت: "خواهش می‌کنم سخت‌گیری نکنید" و " نگذارید فضای تملق در دانشگاه باز بشود." روحانی در روشن کردن این مسئله که چه کسانی در دانشگاه‌ها سخت‌گیری می‌کنند سخنی نگفت، اما ایراد همین سخنان به‌روشنی نشان می‌دهد که نقشی برای دولتی که ریاست آن را بر عهده دارد قائل نیست و منتظر تغییر روش جریان‌هایی است که او گزینه تبعیت از آن‌ها را برگزیده است. روحانی در جایی دیگر گفت: "در طول یک سال گذشته تلاش ما بر این بود که فضای دانشگاه از فضای امنیتی فاصله و فاصله بگیرد. تلاش ما بر این بود که اگر فردی با دلایل ضعیف، کنار گذاشته شده بر سر کار یا کلاس خود بازگردد. تلاش ما بر این بوده که در دانشگاه‌های ما فضای آرامش باشد ضمن اینکه همه گروه‌ها نظر و نقد خود را داشته باشند و در عین حال همه بدانند این جا دانشگاه است، باشگاه سیاسی یا مرکز فعالیت احزاب نیست. ضمن این که همه می‌توانند در مسائل سیاسی و اجتماعی حضور یابند." اینکه در طول یک سال گذشته فضای دانشگاهی تا چه حد از فضای امنیتی فاصله گرفته است نیازمند توضیح بیشتری نیست. ما در بالا گزارش منتشر شده از سوی رسانه‌های مجازی را آوردیم که اتفاقاً بیشترین قرابت را با دولت روحانی دارند اما تأکید سه‌بارهٔ روحانی بر فاصله‌گیری از فضای امنیتی در نهایت به جایی رسیده است که حضور واقعی دانشجویان در چنین مراسم نمادین هم تحمل نمی‌شود. کسانی که جریان‌های سیاسی میهن را به‌نحوی دنبال می‌کنند واقف‌اند که نیروهای نزدیک به حاکمیت برای بیان نظر‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی جریان وابسته به خودشان، سخنرانی‌های‌شان را به‌طورعمده در محل دانشگاه‌ها و یا دیگر مرکزهای آموزشی برگزار می‌کنند. این شامل تمامی طیف‌های حکومتی می‌شود. در تمامی این سخنرانی‌ها هم مسائل سیاسی مطرح می‌شوند و در بسیاری موارد هم پیش آمده است که جریان‌های گوناگون به مناظره سیاسی می‌پردازند و با شدت از یک جریان خاص سیاسی حمایت می‌کنند. این بدان معنا است که این وابستگان به حکومت، دانشگاه را عملاً مرکز فعالیت سیاسی خود کرده‌اند. این سخن روحانی که دانشگاه "باشگاه سیاسی یا مرکز فعالیت احزاب نیست" را ما بارها و بارها از زبان دیگر مسئولان حکومتی شنیده‌ایم. سید علی خامنه‌ای، ولی فقیه رژیم، در دیداری که با استادان دانشگاه‌ها داشت، با تأکید بر همین موضوع، گفت: "مسئولان ذی‌ربط و مدیران دانشگاه‌ها باید با جدیت از تبدیل مراکز علمی به محل جولان و فعالیت‌های جریان‌های سیاسی جلوگیری کنند(خبرگزاری مهر، ۱۱ تیرماه ۹۳). علی خامنه‌ای تبدیل دانشگاه‌ها به باشگاه‌های سیاسی را سم مهلک حرکت علمی کشور خواند و خاطر‌نشان کرد: "متأسفانه در دوره ای شاهد این پدیده زبان بار بودیم." هم حسن روحانی و هم دیگر نیروهای سیاسی وابسته به حاکمیت، در مقطع‌های مختلف و به‌خصوص در جریان انتخابات، از محیط‌های دانشگاهی برای پیش‌برد برنامه‌های‌شان استفاده کرده‌اند و می‌کنند. هم حسن روحانی و هم دیگر جریان‌های سیاسی، با حضور در دانشگاه‌ها و مرکزهای آموزشی، نه‌تنها از مطرح کردن مسائل سیاسی امتناع نمی‌کنند، بلکه به‌طورآشکار و نهان این نهادهای آموزشی را مرکز فعالیت باشگاه‌ها و جریانات سیاسی وابسته به خودشان کرده‌اند. بدون‌شک و تردید پافشاری حسن روحانی و علی خامنه‌ای و دیگر ذوب شدگان در ولایت در این مقوله، هشدار به نیروها و جریان‌هایی است که مستقل از ارگان‌های حکومتی خواستار فعالیت سیاسی‌اند. وقتی حسن روحانی در سخنرانی‌اش می‌گوید: "تلاش ما بر این بوده که در دانشگاه‌های ما فضای آرامش باشد"، بدان معنا نیست که فعالیت سیاسی بدون محدودیت، دانشجویان زندانی آزاد، محرومان از تحصیل عفو، و تشکل‌های مستقل دانشجویی اجازه فعالیت یافته‌اند. منظور از "آرامش"، به‌وجود آوردن چنان فضایی است که حق هر گونهٔ اعتراض از دانشجویان

#### ادامه در صفحه ۸



## تألی بر رویدادهای ایران

**یورش تازهٔ رژیم ولایت فقیه به دستمزد زحمتکشان ایران**

حسن روحانی و وزیر کار امنیتی او، علی ربیعی، از هنگام آغاز به‌کارشان در مرداد ماه ۹۲، نه‌فقط به تمام وعده‌های انتخاباتی‌شان درارتباط با دستمزد کارگران پشت کرده‌اند، بلکه به دستمزد و امنیتِ شغلی کارگران نیز مدام به حمله‌هایی دست زده‌اند. روحانی، بنا بر گزارش خبرگزاری ایلنا، ۲۲ مردادماه ۹۲ [اندکی پس از برگزاری انتخابات]، در سالن پور شریفی تبریز، گفت: "ماده ۴۱ قانون کار صراحت دارد حداقل مزد کارگران بایستی بر اساس نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی تعیین شود و به گونه‌ای باشد که معاش یک خانوار ۴ نفره کارگری را تامین کند." ربیعی نیز به خبرگزاری مهر، ۲۶ مردادماه ۹۲، گفت: "مزد سال ۹۲ با توجه به عدم رعایت دقیق قانون یعنی عدم اعمال تورم اعلامی مرکز آمار ایران... باید... اصلاح شود." خبرگزاری ایسنا، ۱۵ مهرماه سال جاری، گزارش داد: "رقم سید هزینهٔ یک خانوار کارگری در سه ماهه نخست امسال [۱۳۹۳] دو میلیون و دویست هزار تومان اعلام شد." واپس‌گرایان نه‌فقط مزد ۹۲ را اصلاح نکردند، بلکه بنا بر گزارش خبرگزاری ایلنا، ۲۳ اسفندماه ۹۲، ربیعی- باوجود تورم ۵/۳۶ /۳۶ و نیم] درصدی اعلام‌شده از سوی مرکز آمار ایران- گفت: شورای‌عالی کار "با اجماع تمام و رای مطلق اعضا و ناظران تشکل‌های کارگری [بخوان: تشکل‌های دولت‌ساخته] و کارفرمایی" دستمزد پایهٔ کارگران برای سال ۹۳ را با ۲۵ درصد افزایش، ۶۰۸هزارو ۹۰۰تومان [مبلغی کمتر از یک سوم خط فقر] تصویب کرد.

یورش جدید وزیر کار واپس‌گرا به دستمزد کارگران و ترفند او، بلافاصله بعد از تعیین مزد ۹۳ آغاز گردید، و با بهانهٔ بالا بردن "بهره‌وری"، به‌پیش برده می‌شود. این طرح بغایت ضدِ کارگری، در یکی از اتاق‌فکرهای ربیعی - "کارگروه تخصصی مزد"- تهیه می‌شود. خبرگزاری مهر، ۴ شهریورماه، به‌نقل از فرامرز توفیقی، رئیس واپس‌گرای "کارگروه تخصصی مزد"، از ارائهٔ اولین گزارش رسمی این "کارگروه" یا "اتاق‌فکر"، به "منظور طراحی مدل جدید مزدی"، گزارش داد. فرامرزتوفیقی، این نمایندهٔ به‌اصطلاح کارگری، گفت: "با توجه به ناکارآمدی ماده ۴۱ قانون کار در شرایط رکود تورمی... یک نیاز مبرمی برای تعریف روبه و روشی نوین برای تعیین دستمزد در راستای بالا بردن بهره‌وری، رفاه و رضایت عمومی به چشم می‌خورد." مطابق معمول، این نیز صرفاً ترفندی در جهت یورش به دستمزد کارگران است. خبرگزاری ایلنا، ۱۱ اسفندماه ۹۲، به‌نقل از حسن هفده‌تن، معاون وزیر کار، نوشت: "در (فاصله) سال‌های ۷۶ تا ۹۰ سهم مزد در هزینه تمام‌شدهٔ تولید از حدود ۱۳ درصد به حدود ۵ درصد کاهش یافته است اما این کاهش باعث ارتقاء بهره‌وری و خلاقیت در محیط کار نشده است." مطالعهٔ دقیق ۱۳ مورد ذکرشده در "آنالیز کارگروه تخصصیِ مزد"- در حکم عامل‌های "دخیل در

## مژوم

بالا رفتن قیمت تمام‌شدهٔ کالا"، به‌غیر از "عدم تخصیص سهم اجرای قانون هدمندی یارانه‌ها به صنعت"- "پرنگ بودن نقش واسطه‌گری در زنجیرهٔ تأمین... و فساد گستردهٔ رژیم ولایت فقیه، هیچ موردی درارتباط با اثر مزد کارگران در "قیمت تمام‌شدهٔ کالا" در گزارش اول نمی‌توان یافت. با تمام این اوصاف، واپس‌گرایان نقشِ واسطه‌گری، فساد... را رها کرده‌اند، و یورش به مزد کارگران و مادهٔ ۴۱ قانون کار را صرفاً هدف خود قرار داده‌اند. مطابق گزارش خبرگزاری مهر، ۱۵ مهرماه، در سومین گزارش رسمی این کارگروه، "وضعیت دستمزد نیروی کار در صنایع غذایی پس از بررسی و آنالیزهای صورت گرفته به وزیر کار ارائه شد." بررسی‌های "کارگروه" نشان می‌دهد "که واسطه‌ها نقش پرننگی در صنایع غذایی دارند... نوعی عدم شفافیت عملکردها در این بخش مشهود است... استفاده از روغن پالم [نخل] در مواد غذایی در حد استانداردها نیست و همه این مسائل به میزان کارکرد و بهره‌وری نیروی کار کشور لطمه خواهد زد." فرامرز توفیقی، رئیس "کارگروه "تبه‌کاران، دوباره، و بدون اشاره‌ی به تاثیر مزد کارگران در "قیمت تمام شدهٔ کالا"، به خبرگزاری مهر گفت: "وزارت کار خواسته تا کارگروه تخصصی مزد و بهره‌وری به روش‌های چانه‌زنی و گفتگوهای فراوان بین کارگران و کارفرمایان در این‌باره پایان دهد و مزد سالیانه کارگران در قالب یک مدل مشخصی تعیین و تصوب شود." تعیین دستمزد با مدل "بهره‌وری"، یکی دیگر از ترفندهای تبه‌کاران برای آزاد سازی دستمزد کارگران است. به موازات یورش به مادهٔ ۴۱ قانون کار، یکی دیگر از دسیسه‌های وزارت کار ربیعی در رویارویی با جنبش رشدیابندهٔ کارگری، تبعیض ظالمانه در پرداخت دستمزدها برای ایجاد شکاف بین کارگران بوده است. به‌طورنمونه، کارگران پیمانی "پتروشیمی رازی"، "پتروشیمی بوعلی‌سینا"، "ایران ایر"" هما"، و جز اینان، با وجود داشتن تحصیلات و تخصص‌های تقریباً یکسان، در مواردی حتی چند برابر کمتر از کارگران رسمی (قرارداد مستقیم) حقوق دریافت می‌کنند. علاوه بر تمام این دسیسه‌ها، شواهد نشان می‌دهند که رژیم در صدد بازنشسته کردن ۷ درصد نیروی کار رسمی باقی‌مانده است تا بتواند آزاد سازی دستمزدِ کارگران را با موفقیت به‌سرانجام موردنظرش برساند. با سازمان‌دهی کارگران در صفی منسجم و ادامهٔ مبارزه‌ی پیگیر، باید امید واپس‌گرایان به آزاد سازی دستمزدِ کارگران را به نومیذی تبدیل کرد.

**ناتوانی سازمان محیط زیست، و تخریب زیست‌محیط منحصر‌به‌فرد ایران**

خشکیدن رودها و دریاچه‌ها و نابودی جنگل‌های کشور در منطقه‌های مختلف کشور ازجمله جنگل‌های استان گلستان و زاگرس، در صدر خبرهای رسانه‌های همگانی قرار دارد. در حالی‌که وضعیت محیط زیست هر دم رو وخامت می‌گذارد، رییس سازمان محیط زیست جمهوری اسلامی، در اقدامی تبلیغی، از "خبرهای خوش" اطلاع داد.

خبرگزاری مهر، ۱۵ شهریورماه، نوشت: "خبرهای خوشی برای حافظان عرصه‌های طبیعی داریم... مجوز اعتباری ۵ میلیارد تومانی... این اعتبار برای پرداخت معوقه حق محیط‌بانان [که] از سال ۱۳۹۰ به بعد پرداخت نشده بود و همچنین پرداخت دیه برای محیط‌بانانی که حین درگیری‌ها محکوم به پرداخت دیه شده‌بودند، تخصیص داده شد." باتوجه به این گزارش و اطلاعات انتشاریافته از سوی سازمان محیط زیست، اقدام و یا گامی عملی به‌سود محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن انجام نگرفته است، و اعتبارهای مصوب صرفاً برای دلگرمی محیط‌بانان زحمتکش محیط زیست است که از هرگونه حمایت قانونی محرومند! درهمین حال، وزیر نیرو و معاون رئیس‌جمهور در امور محیط زیست اعلام کرده‌اند که، تدابیر جدیدی برای نجات زاینده‌رود و دریاچهٔ ارومیه اتخاذ گردیده‌اند، اما برای عملی‌شدن تدابیر مذکور منابع مالی کافی در دسترس ندارند. خبرگزاری مهر، میانه‌های شهریورماه، از قول وزیر نیرو، نوشت که، آب زاینده‌رود فقط طی ماه‌های بهمن تا اردیبهشت جاری خواهد بود و در بقیه سال این رود مهم بی‌آب خواهد ماند. ازدیگرسو، قائم مقام وزیر [نیرو]، در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، ۹ شهریورماه، اعلام کرد: "برای دریاچه ارومیه مجموعه‌ای از برنامه‌ریزی‌ها صورت گرفته... ممکن است دریاچه به شرایط اول خود بر نگردد... با این حال برای نجات [دریاچه] ارومیه قرار است نسخه‌هایی تهیه شود." علاوه بر وضعیت ناگوار زاینده‌رود و دریاچهٔ ارومیه، رسانه‌های همگانی خبر دادند که، ساخت و سازهای گسترده و غیراستاندارد، دشت‌های سرسبز و حاصلخیز مازندران را یکی پس از دیگری می‌بلعد. خبرگزاری مهر، ۱۲ شهریورماه، در گزارشی نوشت: "وضعیت ساخت و ساز و تغییر کاربری غیرمجاز اراضی در استان‌های شمالی ازجمله مازندران همانند کلاف سردرگمی است که... همچنان مزارع (طبیعت بکر) مازندران را می‌بلعد." در گزارش دیگری از تخریب محیط زیست کشور، ایسنا گزارش داد: "بروز بحران زیست محیطی در اردبیل، ازجمله مهم‌ترین این مشکلات وضعیت آبی سه دشت اردبیل، فغان و مشکین شهر است. ... طبق مطالعات صورت‌گرفته دشت اردبیل ۱/۵ متر فرو نشست داشته است." خبرگزاری مهر نیز در خبر دیگری، ۱۸ شهریورماه، گزارش داد: "آلودگی ۱ میلیون هکتار از جنگل‌های زاگرس، وقوع ریزگردها و خشکسالی... سبب‌شده فشار به اکوسیستم جنگل آمده و شرایط برای آلودگی جنگل فراهم شده‌است." هم‌زمان با مخابره این خبرها، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست اعتراف کرد که، شاخص‌های زیست محیطی در کشور طی سال‌های اخیر نامطلوب بوده و درحال سقوط است. او یادآوری کرد که، جنگل‌ها، مراتع، دشت‌ها، رودها و گونه‌های کمیاب



## مژوم

***شرکت هیئت نمایندگی حزب تودهٔ ایران در:***

# کنفرانس “مارکسیسم قرن بیست و یکم”



در سخنرانی گشایش کنفرانس از جمله ضمن اشاره به ادامهٔ بحران رکود اقتصادی سال‌های اخیر گفت: “ نیاز برای درک و تشخیص همه‌جانبهٔ اندیشه‌ها و تحلیل‌های مارکسیستی برای درس‌گیری از مبارزات گذشته و شکل دادن به مبارزه برای آیندهٔ بشر هیچ‌گاه از لحظه‌های کنونی مبرم‌تر و ضروری‌تر نبوده است.... اوج‌گیری و رشد علاقهٔ مردم به اندیشه‌ها و آثار مارکس کاملاً قابل فهم است، به‌ویژه از زمانی که بحران سرمایه‌داری در سال ۲۰۰۸ اقتصادهای بزرگ جهان را زیر و رو کرد، و اقتصاددانان و سیاستمداران بورژوا در سراسر جهان از شکست الگوی اقتصادی محکوم به فنای خود “متعجب” شدند. مارکسیسم هیچ‌گاه حوزه‌ای جامد و جدا از بینش علمی مورد نظر مارکس نبوده، بلکه تئوری زنده و خلاقی است که در این قرن و ورای آن، و در سایهٔ تجربهٔ فردی و جمعی مبارزهٔ کارگران و زحمتکشان، باید آن را روزآمد کرد و گستراند. موضوع‌های مورد بحث، نشست‌ها و سخنرانی‌های کنفرانس امسال “مارکسیسم قرن بیست و یکم” درپرتو چنین دیدی به تحلیل علمی رویدادها و مبارزهٔ مردم برنامه‌ریزی شده است.”

بحث‌های کنفرانس که در روزهای اوج حملهٔ جنایتکارانهٔ نیروهای نظامی اسرائیل به نوار غزه و موج کشتار زنان و کودکان بی‌گناه فلسطینی و ویرانی کامل این منطقهٔ پُرجمعیت انجام می‌شد، نمی‌توانست بی‌تأثیر از آن رویداد فاجعه‌بار باشد. حضور نمایندهٔ حزب مردم فلسطین، رفیق نصری برقوتی، و سخنرانی او در گردهمایی اصلی روز اول کنفرانس، شرکت و سخنرانی جرمی کوربین، عضو مارکسیست و ترقی‌خواه پارلمان انگلستان و صدر جنبش ضد جنگ پُرقدرت این کشور، و نیز سخنرانی رفیق ایراکلیس تساوداریدیس، دبیر اجرایی “شورای جهانی صلح” که برای شرکت در این کنفرانس به انگلستان دعوت شده بود، به بحث‌های کنفرانس جلوهٔ ویژه‌ای داده بود. رفیق ایراکلیس تساوداریدیس در سخنرانی خود در جلسه ویژه ای به شرایط بسیار تهدید آمیزی که در رابطه با تحولات یکساله اخیر در اوکراین، کودتای فاشیستی در این کشور و موضع‌های پیگیرغیر مسئولانه و ماجراجویانه اتخاذ شده از سوی اتحادیه اروپا و ایالات متحده ایجاد شده سخن گفت و به سئوال‌های شرکت کنندگان پاسخ گفت.

در روز دوم کنفرانس، جلسهٔ بحث و گفتگویی در ارتباط با حملهٔ نیروهای تروریستی “داعش” و تهدیدی که از سوی این جریان ارتجاعی متوجه جنبش صلح و ترقی‌خواهی در خاورمیانه است، با شرکت نمایندگان حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست بریتانیا، شورای جهانی صلح و حزب تودهٔ ایران برگزار شد. رفیق سلام علی، عضو کمیتهٔ مرکزی و مسئول شعبهٔ روابط بین‌المللی حزب کمونیست عراق، تحلیل مارکسیستی جامعی را در ارتباط با وضعیتی که باعث رشد و قدرت‌گیری تروریست‌های داعش شده ارائه داد که مورد استقبال شایان توجه شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

نمایندهٔ حزب ما در سخنرانی خود در جلسه‌ای که با شرکت همهٔ نمایندگان کنفرانس

*\* هانس مودرو، آخرین نخست‌وزیر آلمان دموکراتیک سابق، و صدر کنونی حزب چپ آلمان، در روز اول این کنفرانس از ترجمه انگلیسی تازه‌ترین کتاب خود “پروستریکا و آلمان- حقایق در ورای اسطوره‌ها” رونمایی کرد.*

*\*نمایندهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در گردهمایی اصلی روز گشایش کنفرانس به همراه هانس مودرو، رفیق نصری برقوتی نمایندهٔ حزب مردم فلسطین، و رفیق ایراکلیس تساوداریدیس دبیر اجرایی شورای جهانی صلح، که برای شرکت در این کنفرانس به لندن دعوت شده بود، از سخنرانان اصلی کنفرانس بود.*

کنفرانس “مارکسیسم قرن بیست و یکم” در لندن که در سال‌های اخیر به ابتکار حزب کمونیست بریتانیا برگزار می‌شود، امسال در روزهای ۵ و ۶ مردادماه گذشته (۲۶ و ۲۷ ژوئیه) صحنهٔ بحث و کلاس‌های آموزشی در رابطه با چگونگی تدقیق تحلیل‌های مارکسیستی و تبادل نظرهایی بود که در آن به بررسی مسائل مهم جهان پرداخته شد. کنفرانس امسال همانند کنفرانس‌های سال‌های اخیر در کتابخانهٔ یادبود مارکس و سالن‌های مجاور کتابخانه که در قلب تاریخی لندن قرار دارند برگزار شد. این همان کتابخانه‌ای است که لنین در دورهٔ مهاجرت سیاسی خود در سال‌های ابتدایی قرن بیستم در انگلستان در آن اتاق کاری داشت و کار انتشار چند شمارهٔ نشریهٔ “ایسکرا” را در آن دوره از آنجا هدایت کرد.

حضور تعدادی از نمایندگان برجستهٔ حزب‌های سیاسی و جنبش‌های مردمی جهان که در جلسه‌های گوناگون حضور یافتند و در میزگردهای جمعی متعدد در کنار رهبران حزب کمونیست بریتانیا و جنبش کارگری این کشور تحلیل‌ها و تجربه‌های خود را با کمونیست‌های انگلستان به بحث گذاشتند، ارزش خاصی به این کنفرانس داده بود. علاوه بر اعضای رهبری حزب کمونیست بریتانیا، نمایندگان حزب‌های کمونیست عراق، یونان، شیلی، حزب مردم فلسطین، حزب تودهٔ ایران، و نیز شخصیت‌های برجستهٔ جنبش چپ و سندیکایی انگلستان در این کنفرانس سخنرانی و در بحث‌ها شرکت کردند. کمیتهٔ هماهنگی حزب‌های کمونیست کشورهای دیگر در بریتانیا، که شامل ۹ حزب کمونیست است و رفقای حزب ما مسئولیت سازمان‌دهی و هماهنگی فعالیت‌های آن در بریتانیا را به عهده دارند، در برنامه‌ریزی بحث‌های بین‌المللی این همایش نقش پُررنگی داشت.

یکی از چهره‌های برجستهٔ دعوت شده به این کنفرانس، رفیق هانس مودرو، آخرین نخست‌وزیر آلمان دموکراتیک سابق و صدر کنونی حزب چپ آلمان بود. رفیق مودرو در جریان یکی از نشست‌های این کنفرانس از انتشار ترجمهٔ انگلیسی تازه‌ترین کتاب خود با عنوان “پروستریکا و آلمان- حقایق در ورای اسطوره‌ها” رونمایی کرد، و در سخنرانی خود، دیدگاه منحصر‌به‌فرد و جالب‌توجه خود از نحوهٔ طراحی و عملی شدن سیاست پروستریکا را ارائه کرد؛ سیاستی که که میخیایل گورباچف رهبر وقت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی معرفی و اعمال کرد و اثر عمیقی در حیات اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی داشت، و در نهایت به فروپاشی کشورهای سوسیالیستی اروپا منجر شد. رفیق لیز پین، عضو هیئت سیاسی ومعاون صدر حزب کمونیست بریتانیا،



مردم و یا اینکه “تندروها نمی‌گذارند دولت یازدهم کاری برای مردم انجام دهد”، پردهٔ دودی است برای پنهان ساختن روند اصلی تحول‌های تعیین‌کننده و توجیه‌ اِثرگذار نبودن دولت حسن روحانی بر بهبود شتون اساسی جامعه. توجه‌برانگیز اینکه، در زمینهٔ دیپلماسی و ایجاد رابطه با آنچه که تا‌به‌حال با عنوان “استکبار” و “شیطان بزرگ”، یعنی آمریکا، تلقی می‌شده است، هیچ‌کدام از جناح‌های اصلی در برابر حسن روحانی نه‌تنها درمقام عاملی بازدارنده عمل نکرده‌اند، بلکه بسیار محکم پشت فعالیت‌های تیم وزارت خارجه نیز ایستاده‌اند. جیغ و فریادها و جفتک در هوا زدن اشخاصی مانند مصباح یزدی‌ها، رسایی‌ها، و کوچک‌زاده‌ها را به‌هیچ‌وجه نمی‌توان عاملی بازدارنده دانست، زیرا این به‌اصطلاح “تندروها” در برابر حکم و نظر ولی‌فقیه هیچ عددی به‌حساب نمی‌آیند. بنابراین، حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که دولت یازدهم واقعاً خواهان انجام رفورم‌هایی است اما این “تندروها نمی‌گذارند”، این خود نیز تأیید کنندهٔ این نقطه‌نظر حزب توده ایران است که: در چارچوب حکومت مطلقهٔ ولایت‌فقیه، که تمامی جناح‌های قدرت خواهان تداوم آن‌اند، اصلاحات بنیادین و پایان دادن به دیکتاتوری حاکم امکان‌پذیر نیست، زیرا اگر قرار است کسی از عملکرد حسن روحانی [به‌فرض انجام رفورم] جلوگیری کند، آن شخص به‌غیر از خامنه‌ای، قدرت و یا شخص دیگری نمی‌تواند باشد. واقعیت این است که دولت یازدهم و حسن روحانی، زائیدهٔ حکومت مطلقهٔ ولایت فقیه و وصل به آن است، بنابراین هر نوع انتظارِ انجام تغییر واقعی در سمت مترقی به‌وسیله حسن روحانی و دولت یازدهم، انتظاری‌ست غیر منطقی.

برای آزمودن صحت ارزیابی حزب ما در مورد خصلت اصلاح‌ناپذیر بودن رژیم ولایت، و عملکرد دولت حسن روحانی در خلاف جهت منافع و انتظارات مردم، کافی است به آنچه که زیر پوست جامعه نسبت به دولت یازدهم و قول‌ها و وعده‌های حسن روحانی در جریان است اشاره کنیم. هر کس که در ایران زندگی می‌کند به دو مسئله اساسی به‌خوبی واقف است: ۱. زندگی مادی و معنویِ قشرها و طبقه‌های زحمت و کار نه‌تنها بهبود نیافته است، بلکه به‌صورت فاحشی اُفت کرده است و این بهبود نیافتگی زندگی، طیف وسیعی از لایه‌های میانی جامعه را نیز دربر می‌گیرد. ۲. به‌دلیل استیلای جو سرکوب سازمان‌یافته به‌وسیلهٔ ارگان‌های حکومتی، عملاً امکان اعتراض سازمان‌یافته نسبت وضع موجود و بی‌عدالتی اقتصادی وجود ندارد. هرگونه توجیه تحلیل‌گران هوادار حسن روحانی برای بزرگ کردن وضع کنونی، کاری است عبث، زیرا آنچه که مردم با پوست و گوشت خود هرروزه لمس می‌کنند، واقعیت موجود است. این واقعیت‌عریان را نمی‌توان با بازی با آمار آن گونه که حسن روحانی در گفت‌وگوی تلویزیونی ۲۱ مهرماه‌اش (دربارهٔ پائین آمدن نرخ تورم) مدعی بهبود اوضاع شد، تغییر داد.

کنگره ششم (بهمن‌ماه ۱۳۹۱) حزب توده ایران، با تأکید بر اینکه مادامی که حکومت در کشور ما بر اساس ولایت‌فقیه است، امکان انجام تغییرهای بنیادی وجود ندارد، و در پاسخ به سؤال پایه‌ای “تحول از کدام راه؟”، به این نتیجه رسید: “حزب توده ایران مدت‌هاست به هدف برچیدن بساط قرون وسطایی و برقراری آزادی‌های دموکراتیک، بر ضرورت وحدت، همکاری، و همیاری نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور، در برپایی یک جبهه واحد در برابر استبداد پافشاری کرده است. اصل ولایت‌فقیه، در مقام نظریه و عملکرد رژیم استبداد قرون وسطایی در میهن ما، همه ساختارهای اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی را به‌شدت زیر تأثیر قرار داده است. در چنین وضعیتی… قانون و قانون اساسی ملاک تصمیم‌گیری‌ها نیست…” (برنامه مصوبه کنگره ششم). قابل توجه است که چهار ماه بعد از کنگره ششم، صحت تحلیل حزب ما با مهندسی انتخابات ۱۳۹۲ تأیید گردید.

جنبش مردمی کشور ما بار دیگر با درس‌گیری از سرکوب خونین حرکت‌های مردمی جنبش سبز (۱۳۸۸) در حال نضج‌گیری است و می‌باید با افشا کردن توهم‌زایی پیرامون ماهیتِ دولت “تدبیر و اعتدال” و با بالا بردن آگاهی اجتماعی، اعتراض‌های وسیع مردم را در جهت برپایی اتحادها به‌وسیله نیروهای اجتماعی (مانند: جنبش کارگری، زنان، و دانشجویی) سوق دهد. با وجود اینکه بخش‌هایی از اصلاح‌طلبان و اپوزیسیون که در مهم‌ترین لحظه، یعنی در مرحلهٔ مهندسی انتخابات ۱۳۹۲، جنبش مردمی را رها کردند و با گذر از جنبش سبز به کاروان جنبش بنفش حسن روحانی پیوستند و صدمه‌هایی بر جنبش مردمی وارد آوردند، اما جنبش به راه خود در مبارزه با دیکتاتوری حاکم ادامه می‌دهد.

تحلیل‌های حزب ما از شرایط مشخص کنونی نشان می‌دهند که، گذر به مرحلهٔ ملی-دموکراتیک، جهش کیفی‌ای است که نیروهای مترقی ملی و مردمی، به‌وسیله برنامه حداقلی مشترکی، می‌باید آن را متحدانه به‌سرانجام رسانند. حزب ما در مورد مرحله تغییرهای بنیادی در کشور، به این اصل مهم اشاره می‌کند: “واقعیت انکار ناپذیر این است که در این راه به غیر از رویارویی متحدانه با ولی فقیه و منافع سیاسی-اقتصادی نیروهای ذوب در ولایت که

### ادامه در صفحه ۸

## جشن های سالگرد تأسیس حزب توده ایران



### جشن سالگرد در سوئد

استکلهلم امسال شاهد برگزاری جشن هفتاد و سه سالگی حزب توده های کار و زحمت بود. هوای پاییزی با دمایی لطیف یاری نمود تا رفقا' دوستان' هواداران و مهمان ها از شهرهای و محله های گوناگون سوئد گرد هم آیند و در فضایی مملو از مودت و دوستی تا پاسی از شب سالروز تأسیس حزب ارانی و یارانش را گرمای بدارند. زمانی که یک دقیقه سکوت بیاس شهیدهای حزب و جنبش را طنین سرود چهارم حزبمان خاتمه داد' حس زیبا و دوگانه غرور و تجدید پیمان در چهره تک تک رفقا و هواداران حاضر در سالن جشن به سهولت عیان بود. غرور بخاطر تعلق به تاریخی سراسر رزم و ایثار در راه کارگران و زحمتکشان میهن و تجدید پیمان برای تداوم این مسیر علیرغم شناخت به ناهمواری و خرابایی آن. سالن مراسم با شعارها و سمبل های حزبی و کمونیستی آذین بسته شده بود و هر مهمانی را ناخودآگاه تحت تأثیر آرمان و اعتقاد توده ای ها قرار می داد. روحیه همبستگی بین المللی کارگری – کمونیستی جشن 'با حضور رفقای کمونیست از سوئد' شیلی ' بولیوی' پرو' یونان' عراق و افغانستان، حکایتی قاطع از اعتبار وزین حزب تودهٔ ایران در عرصه جهانی داشت.

هیئت نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و نماینده ای از جبهه ملی در سوئد نیز از جمله مهمان های حاضر در مراسم بودند که به غنای جشن می افزودند.

مراسم امسال از دو بخش تشکیل شده بود.

دو سخنرانی که یکی فرازهایی از اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران و دیگری افشای سیاست اقتصادی دولت حسن روحانی و رابطه اش با بیکاری فزاینده در کشور را بیان می کردند' به همراه نمایش فیلم کوتاهی از تاریخچهٔ حزب' از ابتدای بنیانگذاری آن تا به امروز' محتوی اصلی بخش اوّل را تشکیل می دادند. در همین بخش و در بین سخنرانی ها و نمایش فیلم 'هنرمندی جوانی چند اثر ایرانی و کلاسیک را به مدد رقص سرانگشتان سحرآمیزش بر روی کلیدهای سفید و سیاه' ماهرانه تقدیم حاضرین در جشن کرد. هارمونی خوشایندی سراسر فضای سالن را از آن خود کرده بود. نخستین بخش برنامه با اعلام پیام های شادباش رسیده و قرائت برخی از آنها توسط نمایندگان حزب و سازمان متبوعه خود' و سپس با پخش سرود انترناسیونال به پایان رسید.

در بخش دوّم' مهمان ها به سالن غذاخوری راهنمایی شدند و صمیمانه در کنار هم ضمن صرف غذا به گفتگو نشستند. سپس مسابقه ای ابتکاری' آموزنده و گروهی' رقابت شاد و زنده ای بین شرکت کننده ها ایجاد نمود و هر گروهی برای کسب جایزه از دانش و حافظه گروهی خود یاری می جست تا گوی سبقت را از گروه دیگر برپاید.

مراسم جشن با تقسیم و صرف کیک سفارشی و دستپخت یاران حزب، که نقش گل وخار را بر روی خود حمل می کرد، و سپس ترانه خوانی تا نیمه شب ادامه داشت.

### گردآمدن یاران ارانی در اتریش



جشن هفتادوسومین سالگرد بنیادگذاری حزبمان در روز شنبه ۴ اکتبر با شرکت ده ها تن از هم میهنان ایرانی و همچنین مهمانان خارجی در شهر وین (اتریش) برگزار گردید. در میان مهمانان شرکت کننده در جشن دوستانی با اندیشه های دیگر نیز دیده می شدند. استقبالی که از این برنامه به عمل آمد بار دیگر نشان داد که حزب توده ها، سیامک ها، روزبه ها، فاطمه مدرسی ها، هاتفی ها و باقرزاده ها، را می توان سرکوب کرد، اما اندیشه ها و آرمان های بزرگ این حزب را نمی توان به بند کشید و نابود ساخت. سالن جشن بزرگداشت هفتادوسه سالگی حزب با شعارهای گوناگون تزئین شده بود. بر پیشانی سالن نوشته شده بود: "فرخنده باد هفتادو سومین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران" و "حزب تودهٔ ایران برای صلح، دمکراسی و عدالت اجتماعی". در اطراف سالن شعار هایی برای آزادی زندانیان سیاسی به فارسی و آلمانی به چشم می خورد. عکس هایی از رفقا حیدرعمواعلی، تقی ارانی، خسرو روزبه و فاطمهٔ مدرسی وهمچنین پوسترهایی از رفقای جانباخته حزب در بخش ورودی سالن نصب شده بودند.

جشن با نواختن سرود حزب و به یا خاستن یکسره شرکت کنندگان آغاز شد. سپس مجری برنامه در سخنرانی خود به فارسی و آلمانی به مهمانان خوش آمد گفت و پس از اعلام برنامه از جمله اظهار داشت: "دو رژیم پادشاهی و جمهوری اسلامی تمامی تلاش خود را بکار بستند و در این زمینه از همکاری دولت های امپریالیستی نیز بهره جستند تا حزب تودهٔ ایران را به زخم خویش ریشه کن کنند. شاه دسته دسته توده ای ها را پس از کودتای 28 مرداد به جوخهٔ اعدام سپرد و رژیم جمهوری اسلامی سد ها تن از رهبران و کادر های حزب مان را پس از شکنجه های قرون وسطایی به طناب دار آویخت. با این خیال که خود را برای همیشه از توده ای ها و اندیشه های آنان خلاص سازند.

علیرغم آن همین که ما امروز در این جا گرد آمده ایم و ۷۳ مین سالگرد حزب تودهٔ ایران را جشن می گیریم، خود نشانه آن است که آن ها در این کار موفق نبوده اند. داغ این آرزو بر دل آنها مانده است و این را ما پیش از همه مدیون فداکاری ها و از خودگذشتگی ها ی رفقای شهیدمان هستیم. آن ها با گذشتن از جان خود در دخمه های رژیم شاهنشاهی و در شکنجه گاه های رژیم جمهوری اسلامی از آرمان ها و اندیشه های انسانی خود و از حقانیت حزبشان دفاع کردند. از میان آنان از جمله رفقایلی که بیش از ۳۱ سال از عمر خود را در زندان های این دو رژیم سپری کرده بودند، سرانجام در سال ۱۳۶۷ اعدام شدند. نمی توان جنایت را دید و بی طرف ماند". او سپس ازمهمانان در خواست کرد تا به یاد تمامی جانباختگان حزب و تمامی جانباختگان راه استقلال، آزادی، صلح و عدالت اجتماعی در ایران برای یک دقیقه سکوت، بپایبزند. او همچنین گفت: "حزب تودهٔ ایران علیرغم همهٔ ضربه های خونین، امروز باز هم زنده و فعال، به عنوان یکی از سازمان یافته ترین و منسجم ترین نیروهای سیاسی چپ میهن، نقشی مهم در پیکار با رژیم جمهوری اسلامی ایفا می کند."

سپس یکی از رفقای پیش کسوت حزبی به سخنرانی پرداخت و در سخنرانی خود فرازهایی ازاعلامیه کمیتهٔ مرکزی حزب به مناسبت هفتادوسومین سالگرد بنیادگذاری حزب را خواند. در ادامهٔ برنامه، یکی از دوستان به دکلمه شعر "مهرگان نو" از شاعر مردمی ه. ا. سایه پرداخت: "گرم هر کار، مستِ هر پندار / همره هر پیام، هر سوگند / در دل هر نگاه، هر آواز / توی هر بوسه، روی هر لبخند / بسراییم: مهرگان خوش باد"

پس از آن نوبت به نمایندهٔ حزب کمونیست اتریش و مسئول استان وین این حزب رسید تا پشت تریبون قرار بگیرد. او از جمله گفت: "از دعوت شما و همچنین از

### ادامه در صفحه ۸